

# ماهانامه فرهنگی اجتماعی پشتم و مروارید

شماره ۲۰ آبان ۹۳ - فوزپع: محطفه ابوزهدآباد

رادیو دل (پیامک های شما)

۳۰۰۰۱۳۰۰۱۴۰۰۰

رود: چون رادیو لمیده به دیوار خانه ام لبریز عشق و تشنه ی چندین ترانه ام  
**ماهانامه: به این ستون میاد. ممنون:**  
۴۳۱۰\*\*\*۰۹۱۳: وقتی زندگی چیز زیادی به شما نمیدهد، به دلیل آنست که شما هم چیز زیادی از او نخواسته اید  
۸۹۶۶\*\*\*۰۹۳۰: اگر کیوتران پرواز را فراموش کنند! من هرگز فراموش نمی کنم! با تمام وجودم دوستت دارم!! اگر شب بی ستاره باشد مراخیالی نیست!! چون تو تنها ستاره قلب منی! (تقدیم به ف عزیزم)

۵۷۱۱\*\*\*۰۹۳۹: من حرفهایم را با خنده گفتم تا شاید بفهمی... اما فقط خندیدی و گفتمت جک جالبی بود دلقک!!!

۳۰۳۹\*\*\*۰۹۱۳: سلام ، مطلب آقای امین مسکر در ماهنامه شهریور ماه ۹۳ بسیار جالب بود. از ایشان تقدیر شود  
۳۹۶۲\*\*\*۰۹۱۳: بزرگترین درس زندگی این است که گاهی احمق ها درست می گویند - چرچیل  
۳۹۶۲\*\*\*۰۹۱۳: سلام. صاحب عکس مرد جانبازی که شماره قبل چاپ کردید از مردم اردکان یزد هستش.

**ماهانامه: سپاس دوست عزیز**

۶۳۰۹\*\*\*۰۹۱۳: گویارسم مردمان این است در حضور امام تنهائش گذارند و پس از شهادتش مرثیه خوانش شوند امروز همه را عزادار حسین دیدم و کسی به فکر تنهائی مهدی نبود آیا او نیز چون پدرانش تنها مانده است؟ امروز هرکس آرزویش شمشیرزدن در کربلاست. اللهم عجل لولیک الفرج.

\*\*\*: من یاددل، دل یاد تو را میگیرد. دل اگر یاد عزیزش نکند میمیرد. دل ناله کند از من، من ناله کنم از دل. یا رب تو قضاوت کن دیوانه منم یا دل. یاسراقبالیان تقدیم ب همسرم الهام خانم...

**آماده انعکاس نظرات، احساسات، و تبریک های تمامی شما به دوستانتان**

واقعه ی کربلا اتفاق می افتد ...  
هرگاه ؛

دلت با دینت نباشد ،

قدمت با قلمت نباشد ،

و عملت به قولت نباشد ...

آری بدون شک اتفاق می افتد ؛

هرگاه ... هرگاه ... هرگاه ...



این که حسین [علیه السلام] - پس از این که همه عزیزانش را در خون می بیند و جز دشمن کینه توز و غارتگر در برابرش نمی بیند - فریاد می زند که: "آیا کسی هست که مرا یاری کند و انتقام کشد؟" "هل من ناصر ینصرنی؟" مگر نمی داند که کسی نیست که او را یاری کند و انتقام گیرد؟ این "سؤال" سؤال از تاریخ فردای بشری است و این پرسش، از آینده است و از همه ماست و این سؤال، انتظار حسین را از عاشقانش بیان می کند و دعوت شهادت او را به همه کسانی که برای شهیدان حرمت و عظمت قائلند، اعلام می نماید.

**علی شریعتی**

شد و سرمایه های ملی کشور و سرمایه های فردی مردم به کمتر از یک سوم تنزل و تقلیل پیدا کرد و هیچ کس هم پاسخگو نیست؟ ایشان با انتقاد شدید از نگاه کاریکاتوری به دین، امر به معروف و نهی از منکر را یکی از رسالت های اصلی سیدالشهدا(ع) دانست و در تشریح آن گفت: منکر فقط چهار تا موی یک زن و یا آستین کوتاه یک جوان نیست، باید به سیئات اخلاقی و زشتی های هم حاکمان و هم مردم در جامعه ترتیب اثر داده بشود. آیت الله میر سید محمد یثربی که در مراسم ظهر عاشورا در مسجد جامع حبیب بن موسی (ع) در کاشان و پیش از آغاز مقتل خوانی سخن می گفت، خاطر نشان کرد: اگر امروز به برکت سید الشهدا (علیه السلام) این سخنان را نگوییم، جامعه مثل جامعه بنی امیه از دین فاصله می گیرد و معیارهای دینی به اشتباه در جامعه حاکم می شود. شما باید بدانید و توجه پیدا کنید که به بعضی قیافه ها، به بعضی از پست ها، به بعضی از عناوین، حتی به ریش سفید، به این حرف ها اهمیت ندهید، آنچه برای شما معیار است آن ریشه ها و اصالت هاست.

صاحب منصبان اصلاح شوند، همه جامعه اصلاح می شود، اظهار داشت: صاحبان منصبان روسای سه قوه و دیگر مدیران زیرمجموعه آنان هستند که باید به جد اصلاحات را از زیرمجموعه خود دنبال کنند. رییس ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر کاشان، منشاء فسادهای بزرگ و اختلاس ها در کشور را به علت مدیریت ضعیفی دانست که این مدیران در توان کار ندارند. وی کار مردم را به تاخیر انداختن، دیرآمدن و زود رفتن کارکنان دستگاه های اجرایی و رسیدگی نکردن به امور مردم را نمونه ای از منکرات در ادارات بیان کرد.

**رئیس حوزه علمیه کاشان آیت اله سید محمد یثربی**، با انتقاد شدید از اظهارات اخیر برخی مسئولین، به تاسی از دادگاه موسولینی، گفت: معیار استخراج احکام و فتاوی فقهی و شرعی ما سیره رسول الله و ائمه است نه سیره های تفتیش عقاید و انگیزاسیون، نه سیره محکمه موسولینی. چرا فقه را به وضاحت میکشید؟ کجای فقه ما انتقام جویی را ترویج کرده است؟ آیا این منکر نیست که در طول ۸ سال با بیت المال مردم بازی

**گذری بر فرمایشات آیت اله عبدالنبی نمازی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان، و آیت اله سید محمد یثربی**

**رئیس حوزه علمیه کاشان**

**نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان**، مفاسد را معلول ضعف و سوء مدیریت ها در جامعه دانست و گفت: اصلاح جامعه بدون اصلاح مسوولان امکان ندارد. آیت اله "عبدالنبی نمازی" عصر چهارشنبه در گردهمایی شوراهای امر به معروف و نهی از منکر ادارات کاشان در هفته نخست ماه محرم که هفته امر به معروف و نهی از منکر نامگذاری شده است، افزود: ما منکرات درشت و بزرگ مانند کم کاری و اختلاس ها را در ادارات، بانک ها و وزارتخانه ها کرده ایم و انرژی و توان خود را در جاهای دیگر مانند بدحجابی که در اکثر مواقع از روی ناآگاهی و جهالت است، صرف می کنیم. وی تاکید کرد: گرچه بدحجابی منکر است، اما باید حجاب مناسب را از مدارس و خانواده ها آموزش دهیم تا دچار این معضل نشویم. آیت الله نمازی با اشاره به سخنان گهربار حضرت علی (ع) که فرمودند: اگر علما و



**باطلاع می رساند، نماز جماعت مغرب و عشاء، سخنرانی و سینه زنی دهه سوم محرم الحرام، در مسجد علی بن ابی طالب برگزار خواهد شد. لذا بدینوسیله از اهالی خونگرم محمدآباد دعوت بعمل می آید شرکت فرمایند.**

MOHARRAM

## بحران آب - یوسف نجارزاده

یادم هست پروفیسور کردوانی در پیش بینی عواقب بحران آب گفته بود: قم و کاشان تا ۵۰ سال آینده وجود ندارند. این سخن، نه یک جوسازی رسانه ای، بلکه سخن مردی است که عمرش را در اقلیم پژوهی گذرانده و نگاهش کاملاً علمی است. اگرچه نه ۵۰ سال آینده، که همین امروز هم تأمین آب آشامیدنی، از مشقات مدیریتی این دو شهر است و دست استیصال به دامن سد دز و زاینده رود زده اند. اما در بخش کویرات بیش از هشتاد چاه کشاورزی با سنت غرقابی کمر به خشکاندن هستی ما بسته اند. نوبت به نوبت موتورها از بالا کشیدن آب عاجز شده و در کنار چاه قبلی چاه دیگری حفر می شود. شکاف های عمیق در میانه تاغزار، دهانی است که زمین از سر عطش گشوده است و عمق فاجعه را فریاد می زند. کاریز در حال خشکیدن است و درجه سختی آب روز بروز بیشتر می شود. اما مردم ما چه کنند؟ مردمی که همه زندگی و هستی شان با ارتزاق از این چاه هاست؟ متأسفانه بیخردانی که سالها پیش بطور فله ای مجوز این چاهها را صادر می کردند و نان مردم را به آن گره می زدند فکر اینجا را نکرده بودند. حالا نه راه پیش داریم نه راه پس. فرزندان این منطقه یکی پس از دیگری دهقانی با عزت را رها می کنند و به کارگری در کارخانه ها روی می آورند. چاره ای هم ندارند. کشاورزی، حداقل با این شیوه مقرون به صرفه نیست. نان مردم را هم که نمی شود برید. پس چه کنیم؟ بنظر می رسد در این شرایط، تحول شیوه های آبیاری بسیار اورژانسی و تأخیرش، پایان حیات منطقه خواهد بود. خیزشی همگانی می خواهد و تسهیلاتی که اگر از طرف دولت ها هزینه نشود، هزینه های ملی و غیر قابل جبرانی را تحمیل خواهد کرد. من نمی دانم این طرح سهمیه بندی آب چاه ها به کجا رسید. قطعاً خود کشاورزان هم نمی خواهند برای همیشه چاه هایشان خشک شود. بحران آب، اولویت اول است. خیلی فراتر از چاله زباله و جاده و امثالهم. اما انگار نه انگار! اصلاً حواسمان نیست.

## گذری بر آموزش زیبانویسی در کودکان

در سالهای اخیر، وزارت آموزش و پرورش نسبت به برگشت زیبانویسی به نسل آینده و حفظ اصالت و شخصیت هنری ایرانیان اقداماتی به عمل آورده و از کلاس اول دبستان در دو کتاب بخوانیم و بنویسیم تنظیم نموده که باید بگوییم نسبت به وضعیت استاندارد آموزشی، این کتابها به یک بحث کارشناسی و ریشه یابی خاصی نیاز دارد. دانش آموزان پایه اول دبستان به دلیل استرس از یادگیری حروف و شناخت کلمات و ساختن جمله، آن طور که باید و شاید نمی توانند شکل ها را به خاطر بسپارند و بهتر است که آموزش زیبانویسی آنها را از سال دوم دبیرستان پیگیری نماییم. فرزندانمان در سال دوم دبستان آرامش خاطر بیشتری در یادگیری خط دارند و تجربه نشان داده است که استرس های سال اول کاملاً از بین رفته و آنها تمرکز بیشتری در یادگیری و حفظ شکل ها دارند. خانواده ها باید توجه داشته باشند که در آموزش فرزندان خود و سپردن آنها به کلاسهای مربوط، وسواس بیشتری خرج دهند، باید به پیشینه آموزشگاه یا استاد مربوطه دقت نمایند و سعی نمایند از بهترین ها استفاده کنند. راجع به کتابهای موجود در بازار نیز باید بگوییم که آنها تا حدودی به آموزش زیبانویسی نزدیک است اما در حال حاضر، هیچ کدام مشکلی را حل نمی کند و در آینده نیز حل نخواهد کرد. هنگام گذراندن دوره آموزش خط در کودکان نباید از آنان انتظار بیش از اندازه داشته باشید چرا که توان یادگیری افراد متفاوت است و در این راه قطعاً تشویق بیش از هر چیز آنان را به نوشتن راغب می کند. موضوع بسیار مهم این است که بعضی از بچه ها اصلاً رغبتی به زیبانویسی ندارند و یا حوصله ی آرام نویسی و دقت در آنها دیده نمی شود که یکی از عوامل تاثیرگذار در بین آنها وجود بازی های کامپیوتری که سرعت و حساسیت در این بازی هاست، آنها را به طور ناخودآگاه نتیجه گرا و زود دریافت می کند و انتظار آنان را به فشار می اندازد. برگرفته از کتاب "معجزه خط خوب" تالیف سید سعید کاظمی،

تهیه و تنظیم: یوسف محمدی

آموزشگاه زیبانویسی. ابوزیدآباد، طبقه زیرین بانک تجارت

مدیریت: محمدی، تلفن: ۰۹۱۳۹۶۲۵۱۳۷

**مسئولین محترم محمدآباد،** لطفاً با نصب تابلو اطلاع رسانی کنند که فلکه سر خیابان آزادگان محمدآباد برای دور زدن نیست و صرفاً جنبه ی زیباسازی دارد. چون گاهی دیده شده عبور و مرور افراد ناآشنا با رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی با چرخش صحیح دور فلکه و رانندگی از سمت راست بلوار انجام می شود که در صورت ادامه ی این روند، ممکن است مشکلاتی پیش آید. لذا اطلاع رسانی شود که آنها نیز خلاف برانند. با تشکر

## ...حجاب میوه را در دست

زیبسته ۳۶۶۶

خاندان محترم اشجعی و محمدی، در گذشت حاج آقا علی اشجعی و بانو سکینه رجبی را تسلیت عرض می نمایم.



حضرت علی میفرماید:

سگ ۱۰ صفت دارد که شایسته است

هر مؤمن واقعی داشته باشد تا به

کمال برسد. ۱) سگ را در میان مردم قدر

و منزلتی نیست و این حال مسکینان و

بیچارگان است. ۲) مال و ملکی از آن سگ

نیست و این همان صفت مجردان و

فرشتگان است. ۳) سگ لانه و خانه ی

معینی ندارد و هر جا که برود رفته است. و

این علامت متوکلان است. ۴) سگ اغلب

اوقات گرسنه است و این عادت صالحان

است. ۵) سگ اگر صد تازیانه از دست

صاحب خود بخورد، در خانه او را رها نمی

کند و این صفت مریدان حقیقی است. ۶)

شب هنگام به جز اندکی نمی آرد و این

حالت عاشقان و دوستداران است. ۷)

هرگاه رانده شود و ستم بیند، چون

صدایش کنند بدون دلگیری باز گردد و این

صفت فروتنان است. ۸) هر خوراکی که

صاحبش به او بدهد راضی است و این

صفت و حال قانعان است. ۹) بیشتر اوقات

لب فرو بسته و خاموش است و این علامت

خائفان است. ۱۰) وقتی بمیرد هیچ

میراثی بر جای نمی گذارد و این حال

زاهدان حقیقی است.

منبع: کتاب در ثمین و ماء معین

ضیاله آمد که هیجبره

کرشده اه گرفت

گفته با او ببازره خوشتر

رگ رگ رودها را از پے دانه رفتے

دایه نیافتے

هنوز دلے به دریا اهل نبود

آوایے از اعماق بر آمد

هوجے به حضره زد

که بازگرد!

"رود"

## مربای بالنگ!

«ادوارد بالنگ اُترج کبیر» را همه می‌شناسند. اما کسی نمیداند نام اصلی او «شیخ بادرنگ بزرگ» است. او در نزدیکی منطقه کردنشین‌های مسلمان و تجزیه طلب ترکیه آپارتمان سفید و هفت طبقه‌ای دارد. هر طبقه از این آپارتمان نماینده‌ای از هفت آسمان است اما چون رنگ آبی برای آپارتمانی به این بزرگی بسیار سنگین و خسته‌کننده به نظر خواهد رسید «ادوارد بالنگ اُترج کبیر» تصمیم گرفت رنگ آنرا به جای آبی، سفید کند. این آپارتمان هفت طبقه با باغ بزرگ‌اش در منطقه‌ای بسیار معمولی، میان آدمهای بسیار معمولی بنا شده و همیشه مثل یک ناسزا یا فحشی رکبک در جواب حرفهای بسیار معمولی به نظر می‌رسد. مسلم است وقتی که درختان شکوفه میدهند یا پرندها آواز می‌خوانند، هیچ پرنده، پروانه یا قاصدکی تا زمانی که باغ سبز و پهناور «ادوارد بالنگ اُترج کبیر» در کار باشد سراغ گلدان‌های تاریک و پنجره‌های کوچک خانه‌های همسایه نمی‌رود. ولی آنچه بیش از هر مسئله دیگر مایه‌ی حسادت و خشم همسایه‌ها میشود **باران** است. به وقت باران رنگین‌کمانی هفت رنگ بر فراز خانه‌ی ادوارد نمایان میشود. اینجاست که روزهای دوشنبه هر هفته ثروتمندان با ماشین‌های گران‌قیمت و زنان نازای مه‌پیکر دست به دامن ادوارد می‌شوند. دیروز چند زن میانسال با شکم‌های پرچربی و روسری‌های هفت رنگ، دستشان را بر بدن نوه پنج‌ساله ادوارد میمالیدند، بعد دست متبرک را روی صورتشان گذاشتند و از این زرنگی در پوست خود نمی‌گنجیدند، چون حالا بدون پرداخت پول و ایستادن در صف، متبرک بودند. به هر حال هر کس دیگری هم باشد اگر رنگین‌کمانی بدین بزرگی را بر بالای باغ و عمارت ادوارد ببیند و انکار کند که او برگزیده است باید دیوانه باشد. راستی که این رنگین‌کمان سفید بر بلندای این عمارت سفید چقدر هم به هم می‌آیند. **۱/۱/۱**

۹۳ شاسوسا توکلی

## آیا از خود پرسیده ایم آنها چه می‌کنند؟ چیزهای بی‌اهمیت زیادی هست

که الکی الکی روی آنها زوم می‌کنیم، بزرگش می‌کنیم و دقت و حال و حوصله و انرژی مان را هدر می‌دهیم، و چیزهای بسیار مهمی هست که بی‌توجه یا سر یک شوخی زبانی از کنار آنها رد می‌شویم. یکی اش ازدواج همین جوانها، نیاز جنسی آنها و کنار آمدن یا کنار نیامدن با این مسئله.



بیائیم بی‌رودربایستی کمی در مورد آن حرف بزنیم. این همه جوان مجرد در منطقه‌ی ابوزیدآباد، از خود ابوزیدآباد گرفته تا همه‌ی آبادی‌های اطرافش، واقعا با نیاز جنسی خود چه می‌کنند؟ این چیزیه است که اگر بخواهیم همچنان در موردش سکوت کنیم به نتیجه‌ی ای نخواهیم رسید. آیا آنها تقوا پیشه می‌کنند؟ یا توکلشان بر خداست؟ بیائیم از آن وری نگاه کنیم. به جای اینکه بخواهیم صرفا فرزندانمان بر خدا توکل کنند، ما خانواده‌ها بر خدا توکل کنیم و کمی ساده‌تر و بی‌چشم و هم‌چشمی، دخترمان را به پسر بدهیم و همچنین پسرمان را به دختر. البته اینجا هدف بیشتر مطرح کردن و به چالش کشیدن یک مسئله‌ی مهم است تا ارائه جواب یا راه حل، که نیاز به تحقیق و آسیب‌شناسی بالا و پایین شدن افراطی سن ازدواج در منطقه و ارائه راه‌های برون رفت از رکود اطلاعاتی مفید در این زمینه دارد. امیدواریم به عده‌ای بر بخورد، و بزرگان! راه را برای نشست‌ها و سمینارهای علمی در این راستا هموار بفرمایند و درس خوانده‌های منطقه هم که کم نیستند، همکاری نمایند.

## اصلاح الگوی مصرف در سایه‌ی عزاداری ضمن عرض خدا قوت به تمامی

عزیزانی که در نظم و هماهنگی هیئت ابوالفضل محمدآباد، کمر همت بر بسته‌اند. خالی از لطف نیست عرض چند جمله‌ای که انشالله مفید واقع خواهد شد. تاسوعای حسینی است که قلم می‌زنم. صدای نوحه و عزای اهالی می‌آید. من بی‌لیاقت اما آمدم تا چیزی بنویسم که دارید می‌خوانید. در کوچه‌ی پدری شهید بزرگوار محمدرضا اسماعیلی بودیم. از زن و مرد، پیر و جوان، خردسال و بزرگسال، جمعیت انبوهی کوچه‌ها را قدم می‌زد و عزاداری می‌نمود. در آن کوچه‌ی صد قدمی، ۱۰ قدم بر می‌داشتی بانیان خیر، آش می‌دادند، ۱۰ قدم بر می‌داشتی بانیان دیگری، میوه، در قدوم بعدی بانیان شیرینی، و همین‌طور چای، نان زرد، شکلات، حلیم، شیرکاکائو و هرآنچه مرسوم باشد. یکی به شوخی گفت: نگاه که می‌کنی چه آرامند، ولی چه معجون‌ی آن‌ته درست شده کسی نمی‌داند. کاش سال بعد، همه اهالی آن کوچه جمع شوند، یک نوع پذیرایی کنند و به جای چند روضه، یک روضه‌ی مفصل خوانده شود. **تا نگاهمان کمی باشد، این اتفاق کیفی نخواهد افتاد.** در پایان نیز، باز ارج می‌نهیم این همدلی زیبا و عمیق را، و دست تک‌تک عزیزان را به گرمی می‌فشاریم، چرا که این وحدت، این عظمت، این نظم، و این عزاداری، غرور آفرین است و بس.

دوستان بزرگسالی که تمایل دارند در فیلم کوتاه داستانی مذهبی تاریخی به ایفای نقش بپردازند: نام، جنسیت، سن، محل سکونت خود را به سامانه پیامکی ارسال نمایند.

از اهالی منطقه اگر کسی در جبهه حق علیه باطل، هم‌رمز شهید مصطفی چمران بوده است برای مصاحبه جهت استفاده در فیلم «چمران» جلیل سامان، با ما تماس بگیرید.

در آن نیمه روز تباه در پهنه‌ی بیابان تف در میان شبیه اسبهای از نفس افتاده و فریادهای هرگ اندود خستگان درگیر و شبیون و فغان زنان ناظر در چکاچک رعب آور و دلخراش شمشیرها در ناپیدای گرد و خاک بپاذاسته از زمین خشک تشنه خون، یک صدای رسا همه را در ده نورد و همه جا می‌پیچد  
**هیجات هنا الذله**

## معرفی و تقدیر .. حجت الاسلام

والمسلمین شیخ محمد عرب، متولد ۱۳۵۰ دارای مدارک تحصیلی سطح ۳ معادل کارشناسی ارشد



در حوزه علمیه قم و کارشناسی غیرحوزوی الهیات و معارف اسلامی. تدریس در حوزه علمیه زابل، گنبد کاووس، و کاشان به مدت ۱۸ سال و همچنین مدیریت مدارس علمیه به مدت ۴ سال از سوابق اجرایی ایشان می‌باشد. آرزوی موفقیت بیش از پیش، شادابی و سلامتی را برای ایشان و خانواده‌ی محترم از خداوند منان مسئلت داریم.

## دعوت به همکاری .. دوستانی که تمایل

دارند از: دبیرستان شهدای محراب، و دبیرستان توسعه دانش جهت دریافت ماهانه و نصب ماهنامه با ما همکاری داشته باشند لطفاً از طریق سامانه پیامکی با ما تماس حاصل نموده و آمادگی خود را اعلام نمایند. همچنین مسئولین امور فرهنگی مساجد ابوزیدآباد می‌توانند جهت دریافت ماهنامه تماس حاصل نمایند.

## دوستان عزیز

در نظر داریم در یک روز آفتابی پاییزی با جمعی از دوستداران محیط زیست، به طبیعت زیبای قاشماقاری برویم و زباله‌های موجود در آن را جمع کنیم. دوستانی که مایلند شرکت کنند می‌توانند اعلام آمادگی نمایند. پیامک ۳۰۰۰۱۳۰۰۱۴۰۰۰

این مسئله ی افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره ی آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم. منبع: پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای

# ستمکارترین مردم کسی است که ظلم خود را عدل بشمارد

امام علی(ع)

**نامه...** دیروز که نامه ات رسید هنوز شیار دیدنت روی زمین بود و تازه بود. در نیمروز "شمیران" از چه سخن می گفتیم؟ دستهای من از روشنی جهان پر بود و تو در سایه روشن روح خود ایستاده بودی. گاه پرنده وار شگفت زده به جای خود می ماندی. تو از آب بهتری. تو از ابر بهتری. تو به سبیده دم خواهی رسید. مبادا بلغزی. من دوست توام و دست تو را می گیرم. روان باش که پرندگان چنین اند و گیاهان چنین اند. چون به درخت رسیدی به تماشا بمان. تماشا تو را به آسمان خواهد برد. در زمانه [ای] ما نگاه کردن نیاموخته اند و درخت جز آرایش خانه نیست و هیچ کس گلهای حیاط همسایه را باور ندارد. پیوندها گسسته. کسی در مهتاب راه نمی رود و از پرواز کلاغی هشیار نمی شود و خدا را کنار نرده ایوان نمی بیند و ابدیت را در جام آب خوری نمی یابد. در چشم ها شاخه نیست. در رگ ها آسمان نیست. در این زمانه درخت ها از مردمان خرم ترند. کوه ها از آرزوها بلند ترند. نی ها از اندیشه ها راست ترند. برف ها از دلها سپیدترند. بخشی از نامه سهراب به یک دوست. برگرفته از کتاب **هنوز در سفرم - چاپ نهم - سهراب سپهری**

**معرفی کتاب "وقتی نیچه**  
گریست" نویسنده : اروین یالوم + آمیزه ای است از واقعیت و خیال، جلوه ای از عشق، تقدیر و اراده در وین خردگرای سده نوزدهم، و در آستانه ی زایش دانش روانکاوی. فردریش نیچه، بزرگترین فیلسوف اروپا، یوزف برویر، از پایه گذاران روانکاوی، دانشجوی پزشکی جوانی به نام زیگموند فروید، همه اجزایی هستند که در ساختار رمان در هم تنیده می شوند تا حماسه فراموش نشدنی رابطه ی خیالی میان بیماری خارق العاده و درمان گری استثنایی را بیافرینند. در ابتدای رمان، لو سالومه، این زن دست نیافتنی از برویر می خواهد با استفاده از روش آزمایش درمان با سخن گفتن به یاری نیچه ناامید و در خطر خودکشی بشتابد. در این رمان جذاب، دو مرد برجسته و اسرارآمیز تاریخ، تا ژرفای وسواس های خویش پیش می روند و در این راه، به نیروی رهایی بخش دوستی دست می یابند.

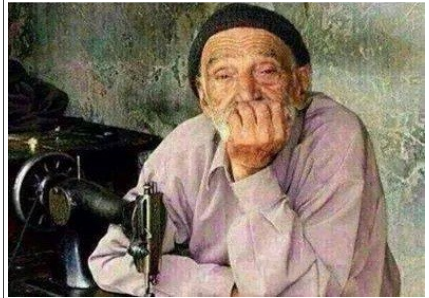
هنگامی که به نماز می ایستم  
بیاوریدش و از مقابلم عبورش دهید  
من حواسم نیست اما  
چرا از صد و سی و هشت هزار و چهارصد و بیست و هفت تار مویش  
یکی کم شده است؟  
**امیرمحمد بحری پور**

**از دحام غریب - مجید بهزادی**  
روی گسترده سیاه  
جو سنگین سکوت  
همه جا خاک گرفته به تباه  
آسمان تیره، هوا پر ز غبار  
مجمع بی در و پیکر، خفه ی بی دیوار  
از دحامی است همه منتظر فرسایش  
خوره ی خاک به جان همه افتاده به گرم سایش  
دخمه ها کهنه و مخروبه درونش تیره  
جغد در تیره آن گشته به چشم خیره  
چشم تا کار کند هست بر این بود غریب  
آرزوهای به باد  
چشم های بر راه  
غم و اندوه تلنبار به جا  
تَل انبوه ز حسرت بر پا  
این همه آه که دلسوخته از سوز کشید  
این همه اشک که از چشم سیه روز چکید  
چه تلنبار شده این همه دلها که شکست  
چقدر بند که خاک از تن دلبنده گسست  
شده ام سخت در این وادی حیرت حیران  
چه بود نام بر این خطه ی بی نام نشان  
آمد از دور ندا : **گورستان**

## حقایق شیرین

+ داداش سرده شما یه کاپشن بیوش پشتش یه برگه بچسبون: ۶ سال سابقه بدنسازی  
+ دختره ۹ ساله پست گذاشته، امشب کدام را بکشم. سیگار را یا ماشه را؟! حضرت عباسی هر کی تیتابه اینو برداشته بیاره پس بده حوصله نداریم. والا ما بچه بودیم اون خانوم مجری مهربونه بود... خانوم رضایی. میگفت: اه ای شما. امام میگفتیم: ما ایاها میگفت اره شما که نزدیکه تلویزیون نشستی، یذره برو عقب. امام میرفتیم عقب. بعد میگفت: عقبت. امام تا نزدیکای دم در میرفتیم عقب که نکنه یوخ لچ کنه کارتون پخش نکنه. یعنی ما در این حد اسگولای دوست داشتنی بودیم :)  
+ عزیزی که محرم با پورشه میای که حاجت بگیري... عرض کنم که الان شما سوار حاجت منی بی شعور!  
+ گرونی کرایه ها خیلی خوبه. مسیری که قبلا پیاده می رفتیم ۱۰۰۰ تومن به نفعمون بود الان ۳۰۰۰ تومن به نفعمونه!  
+ طرف داشت از روضه برمینگشت، ازش میپرسن چطور بود؟ میگه مداحه همچین داد میزد انگار تقصیر ما بود!  
+ آدامس Orbit شده ۱۶۰۰ تومن!! این که دیگه واسه جویدن نیست! باید بچسبونی به پیشونی راه بری تو خیابون + میگن چگوارا یه برادر داشته به اسم چخوشمزه!  
+ این پسرای امروزی همچین میگن شما دخترا بلد نیستید آشپزی کنید که انگار خودشون از صبح کله سحر تا بوق سگ کار می کنن. بابا شما رو ساعت ۱۲ ظهر از زیر پتو به زور باید بیارن بیرون  
+ درسته پراید کولرش خوب نیست، ولی وژدان بخاریش خوب خنک می کنه!

زندگی هیچ وقت اندازه ی تنم نشد...  
حتی وقتی خودم بریدم و دوختم



**آلوارو مونرو ماتادور - گاو باز اسپانیایی - وقتی فهمید که حیوان نمی خواهد با او بجنگد، در گوشه ای نشست و شروع به گریستن کرد، او فهمید که این حیوان با چشمان اشکبارش صلح را جست و جو می کند. ای کاش تمام کسانی که به جنگ دامن می زنند و در پی آزار بشریت اند به اندازه ی این حیوان شعور داشتند.**  
اعتراض به وحشی گری هایی که از افراط در دین ناشی می شود و به نام دین تمام می شود.



**با شکر از:**  
آقایان مجید بهزادی، یوسف محمدی، یوسف نجارزاده، محمد لطفی نیا، و خانم نسیم توکلی شاسوسا  
**ارتباطات: - هماهنگی و دریافت**  
مدیرمسئول ماهنامه: Haika  
رابط ماهنامه: امین مسگری  
شماره پیامکی: ۳۰۰۰۱۳۰۰۰۱۴۰۰۰  
ایمیل و همراه رابط: ۰۹۳۰۹۹۹۰۰۱۴  
aminmesgari@yahoo.com  
وبلاگ جهت دریافت Pdf ماهنامه  
Alghadirblog.blog.ir  
کانون فرهنگی هنری الغدیر